



مشاوران اوپاما : هدف آمریکا از توافق مهار ایران بود نه رابطه

گزارش کیهان از تناقض استراتژی واشنگتن با آرزوهای برجام‌زدگان...

گزارش کیهان از تناقض استراتژی واشنگتن با آرزوهای برجام‌زدگان
مشاوران اوپاما : هدف آمریکا از توافق مهار ایران بود نه رابطه

دولت یازدهم در حالی توقع همراهی و همکاری آمریکایی‌ها در برخی قضایا مانند رفع تحریم‌ها را دارد که مشاور امنیتی رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید توافق ایران هرگز از اساس به قصد گشودن دوره‌ای جدید در روابط بین ایران و آمریکا نبوده و هدف آن کاهش خطر جمهوری اسلامی برای واشنگتن است.

سوزان رایس، نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل و مشاور امنیتی رئیس‌جمهور آمریکا اخیراً پرده از راهبرد کلان و بلندمدت دولت آمریکا در مصاف با ایران برداشت و در اظهاراتی اعلام کرد «توافق هسته‌ای هرگز تلاشی برای گشودن دوره‌ای جدید از روابط تهران و واشنگتن نبوده است».

نشریه آتلانتیک در مقاله‌ای به قلم جفری گلدبرگ نوشت: باراک اوپاما، رئیس‌جمهور آمریکا، از همان آغاز ریاست جمهوری‌اش با وجود انتقادات بسیار، تصمیم گرفت به سرسخت‌ترین دشمن خاورمیانه‌ای آمریکا (از غرب آسیا تا شمال آفریقا) یعنی ایران، نزدیک شود. توافق هسته‌ای که او با ایران منعقد کرد، ثابت می‌کند که اوپاما ریسک‌گریز نیست.

این نشریه در ادامه با مطرح کردن ادعاهای بی‌اساس علیه کشورمان، نوشت: او (اوپاما) وعده داده است که یکی از بزرگترین حامیان دولتی تروریسم دنیا (ایران) به این توافق پایبند بماند و برنامه هسته‌ای‌اش را محدود کند.

این مقاله‌نویس نشریه آتلانتیک ادامه می‌دهد: سوزان رایس به من (جفری گلدبرگ) گفت «توافق ایران هرگز از اساس به قصد گشودن دوره‌ای جدید در روابط بین ایران و آمریکا نبود. هدف اصلی این بود که کشوری خطرناک را کم خطرتر کنیم. کسی انتظار نداشت ایران عنصری بی‌خطر باشد».

ارکان جملات رایس یعنی خیالی بودن ایجاد «دوره ای جدید در روابط ایران و آمریکا» و اینکه ایران «کشوری خطرناک» است که باید «کم خطرتر باشد» نشان از نگاه حاکم بر دولت آمریکا در خصوص کشورمان دارد. رایس می‌گوید قصد آمریکا و اوپاما هیچ‌گاه رفع خصومت‌ها و ایجاد دوره‌ای جدید و یا به معنای دیگر شکستن دیوار بی‌اعتمادی نبوده بلکه صرفاً منظور این بوده که با برجام خطر جمهوری اسلامی برای منافع راهبردی آمریکا مهار و محدود شود.

جملات سوزان رایس به عنوان یکی از عناصر کلیدی در تصمیمات دولت آمریکا در واقع هستی‌شناسی دولت اوپاما را نشان می‌دهد، این هستی‌شناسی در رفتار و کردار آمریکایی‌ها هم نمود و بروز دارد. آمریکایی‌ها حتی در دوران گفت‌وگوهای هسته‌ای دست از تحریم برنداشتند و به بهانه‌های مختلف همچون موشکی و حقوق بشر دست به وضع تحریم‌های جدید ضدکشورمان زدند.

مضحک‌تر از همه اینکه کمتر از یک هفته پیش دادگاهی در نیویورک در حکمی غیابی، ایران را به پرداخت بیش از 5/10 میلیارد دلار غرامت به اعضای خانواده کشته‌شدگان در نتیجه عملیات تروریستی 11 سپتامبر سال 2001 و همچنین شرکت‌های بیمه پرداخت‌کننده غرامت، به علت ضررهای ناشی از این عملیات تروریستی محکوم کرد!

خبرگزاری «بلومبرگ» گزارش داد: بر اساس این حکم، خانواده قربانیان، 5/7 میلیارد دلار، و شرکت‌های بیمه 3 میلیارد دلار دریافت خواهند کرد.

پیشتر دادگاه نیویورک به این ادعا که ایران نتوانسته ثابت کند که به تروریست‌ها کمک کند، به این نتیجه رسیده بود که ایران باید به خاطر خسارت ناشی از عملیات تروریستی 11 سپتامبر جوابگو باشد.

در واقع آمریکایی‌ها این بار به دلیل فقدان اسناد در خصوص دست داشتن کشورمان در حادثه یازده سپتامبر در اقدامی گستاخانه و مضحک ایران را متهم کردند.

روند رفتار طرف آمریکایی کاملاً صحبت‌های سوزان رایس را تأیید می‌کند چرا که ماهیت نظام سیاسی آمریکا در تقابل با جمهوری اسلامی است و تصور اینکه برجام راهی برای کاهش خصومت‌هاست، چیزی جز یک رویا نیست.

رفتار و گفتار خصمانه طرف آمریکایی امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست ولی مسئله اینجاست که دولت یازدهم بعد از برجام تصور می‌کرد این موضوع می‌تواند رابطه خصمانه آمریکا با ایران را تلطیف کند در صورتی که در کل، سیستم سیاسی آمریکا اراده‌ای بر این امر ندارد و راهبرد خود را بر دشمنی و خنثی‌سازی توان ایران قرار داده است.

گفتار و عمل دولت آمریکا در برابر صحبت‌های رئیس دولت یازدهم تناقضاتی را به ذهن القا می‌کند چرا که ارتباط با کشورهای مختلف جهان ارتباطی دوسویه است و طرف آمریکایی در گفتار و کردار خود نشان داده که هرگز به دنبال رابطه‌ای عادی و براساس احترام و حقوق متقابل نبوده و نیست.

روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل در مهرماه سال جاری اظهار داشت: «امروز، فصل جدیدی در روابط ایران با جهان آغاز شده است.»

وی همچنین در گفت‌وگوی زنده رادیو و تلویزیونی با مردم در تاریخ 23 تیر سال جاری بیان داشت: قدم به قدم اجرای این توافق می‌تواند آرام آرام خشت‌های دیوار بی‌اعتمادی را بردارد.

این سخنان در حالی اظهار می‌شود که طرف غربی که در راس آن آمریکا قرار دارد نیت و قصدی برای کنار گذاشتن و یا حتی کوتاه کردن دیوار بی‌اعتمادی میان خود و ایران ندارد و این امر را نیز بارها در صحبت‌های مقامات آمریکایی مشاهده کرده‌ایم. آنها حتی در عملی شدن تعهدات برجامی خود نیز کم کاری داشته و موضوع رفع تحریم‌ها را عملاً به وعده‌ای روی کاغذ تبدیل کرده‌اند تا جایی که اعتراض دولتمردان ایران را نیز برانگیخته است.

طرف آمریکایی شرایط را به نحوی پیش می‌برد که امروز حتی بانک‌ها و شرکت‌های اروپایی جرات برقراری ارتباط مالی با ایران را ندارند چرا که همچنان در هراس از واکنش تحریمی آمریکا هستند. در واقع علت تاخیر در آغاز همکاری‌های مالی بانک‌های اروپایی با بانک‌های ایران و عدم تسهیل تراکنش‌های بانکی و اقتصادی را باید در باقی ماندن بسیاری از تحریم‌های ایالات متحده آمریکا دانست که به موجب آن نقل و انتقالات مالی بانک‌های ایران همچنان دارای محدودیت می‌باشد. هنوز هم ترس از گزندگی قوانین وضع شده به واسطه جریمه‌های تنظیم شده از سوی آمریکا برای نقض رژیم تحریم‌های قدیمی وجود دارد، بسیاری از موسسات مالی اروپایی در خصوص نقض تحریم‌های آمریکایی‌ای که هنوز هم پابرجاست نگرانی دارند.

اخیراً نیز محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان در مصاحبه با یکی از ویژه‌نامه‌های نوروزی اظهار داشت: «برخی از اوقات اتفاقاتی در حاشیه مذاکرات می‌افتد که باعث می‌شود آن تفاهم و حس مشترک شکل نگیرد بویژه در مواردی که دولت آمریکا مجموعه اقداماتی انجام می‌دهد که با آنچه تعهد کرده بود مغایرت دارد. کماکان هم درباره اجرای تعهدات آمریکا همین‌طور است. اگر بشود این تعهدات را دو قسمت کرد یک قسمت تعهداتی است که باید با صدور اعلامیه و بیانیه و دستور و مقررات داخلی اجرایی می‌کردند که آنها را انجام دادند اما یک قسمت هست که نیاز است دست کم دولت آمریکا با اراده سیاسی وارد مرحله اجرایی کردن تعهداتی شود که روی کاغذ اعلام کرده است حالا ما از مجموعه حاکمیت آمریکا از جمله کنگره توقعی نداریم اما این توقع از دولت آمریکا هست.»

داشتن توقع همکاری با ایران از دولت آمریکا با توجه به اظهارات مقامات این کشور از جمله سوزان رایس، توقعی بیجاست چرا که اظهارات و رفتار طرف آمریکایی عدم پایبندی آنها به تعهداتشان را آشکار می‌کند و گویای فقدان اراده سیاسی از جانب دولت آمریکا حتی برای عملی کردن تعهدات حداقلی آنها در برجام است.

هر کنشی در عرصه بین‌المللی واکنش مطلوب و مناسب به خود را می‌طلبد و از این رو نمی‌توان با دولتی همچون آمریکا که از هر فرصتی برای محدودسازی کشورمان استفاده می‌کند این توقع را داشته باشیم که برای رفع تحریم‌ها اقداماتی عملی داشته باشد. اظهارات اخیر «رایس» تنها مشتی از خروارها اظهارات ضدایرانی مقامات آمریکایی در ماه‌های اخیر است که سیر سعودی نیز به خود گرفته و این اظهارات را در واقع باید به سان یک نشانه قلمداد کرد؛ نشانه‌ای از این گزاره روشن که رویای برجام‌زدگان درباره برجام‌های دیگر (رابطه با آمریکا، مذاکره و همکاری منطقه‌ای و...) چیزی جز خوش‌خیالی‌های دور از واقعیت نیست.